

پژوهش‌نامه حقوق اسلامی سال دهم شماره دوم- پائیز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۵-۳۱

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران و فرانسه و فقه امامیه

جعفر کوشا* تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۷/۲۷

رحمت‌اله رضایی** تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۳/۱۱

چکیده

کلاهبرداری مانور متقلبانه برای بردن مال غیر است. به کار بردن وسایل متقلبانه، اغفال مال باخته و تسلیم مال از طرف او جزو ویژگی‌های خاص این جرم است. جرم کلاهبرداری به شکل‌های مختلفی واقع می‌شود و قانون‌گذار به تناسب اهمیت اشکال مختلف این جرم و شخص مرتکب و لطمه‌ای که این جرم در صورت‌های مختلف می‌تواند به جامعه وارد کند برای آن مجازات‌های گوناگونی در نظر گرفته است. در این مقاله سعی بر آن شده است که ابتدا انواع مجازات‌های اصلی کلاهبرداری در حقوق ایران و فرانسه به شکل یک مقایسه تطبیقی مورد دقت نظر و بررسی قرار گیرد و به شباهت‌ها و تفاوت‌های بین این دو نظام حقوقی اشاره گردد و سپس مجازات‌های تبعی و تکمیلی جرم کلاهبرداری در این دو نظام مورد تدقیق قرار گیرد.

واژگان کلیدی

کلاهبرداری، مجازات‌های اصلی، حقوق جزای ایران و فرانسه.

* دانشیار و رئیس کرسی حقوق بشر دانشگاه شهید بهشتی

** عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد کردکوی r.rezaee@isu.ac.ir

کلاهبرداری واژه‌ای فارسی است، که معادل فرانسوی آن «escroquerie» و معادل عربی آن «احتیال» یا «نصب» و در زبان انگلیسی در مقابل مفهوم مذکور واژه‌های «swinding, cheat, froud» استعمال می‌شود. (کاتبی ۱۳۳۷، ص ۱۷۵؛ الخاضی، ۱۴۱۵ق، ص ۹۴؛ کریمی، ۱۳۷۳، ص ۱۸۰) و عبارت است از تحصیل مال دیگری با توسل به وسائل متقلبانه (گلدوزیان؛ ۱۳۸۶، ص ۱۳۲ و گلدوزیان؛ ۱۳۸۵: ۲۹۴) از موارد قانونی در مورد کلاهبرداری چنین نتیجه‌گیری می‌شود، که از نظر قانون فعل مجرمانه در کلاهبرداری فعل مثبت مادی است. که این امر مورد تأکید رویه قضایی و دک‌ترین نیز می‌باشد. (بروجردی، ۱۳۳۶، ص ۱۹۷؛ حائری‌شاه‌باغ، ۱۳۳۲، ص ۱۲۲؛ امین‌پور، ۱۳۲۰، ص ۱۴۶؛ حبیب‌زاده، ۱۳۷۳، ص ۷۶) کلاهبرداری همچنین در زمره جرایم مقیدی است، که احراض رابطه سببیت بین فعل مجرمانه و نتیجه مجرمانه آن لازم است. (حبیب‌زاده، ۱۳۷۴، ص ۱۶۴) هرچند کلاهبرداری در فقه سابقه دارد، لکن قانون‌گذار ایرانی در قانون تعزیرات ۱۳۶۲ از قانون جزای فرانسه در تعریف کلاهبرداری بهره برده است و در سال ۱۳۶۷ بنابر ضروریات اجتماعی مجازات آن را شدیدتر نموده است.

بنابر ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۶۷، کلاهبرداری به دو شکل ساده و مشدد بیان شده است و در کنار مجازات اصلی کلاهبرداری، مجازات تکمیلی نیز به دو صورت اختیاری و اجباری در قانون مجازات اسلامی ماده ۱۹ و حالت اجباری آن در همان ماده ۱ قانون فوق‌الذکر در نظر گرفته شده است. همچنین مجازات تبعی مذکور در ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی گنجانده شده است. مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری میان ایران و فرانسه با توجه به قرابت‌های نظام‌های حقوقی این دو کشور که در مفهومی عام جزء نظام‌های حقوق نوشته قرار می‌گیرند. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۲۳۹) مفید به نظر می‌رسد، به خصوص از آن جهت که پیروی آن‌ها را از دو دیدگاه عینی و ذهنی در مجازات مرتکبین کلاهبرداری، نوع مجازات، کیفیت و کمیت مجازات و انواع مجازات‌ها اعم از اصلی و تکمیلی و تبعی و برخورد دوگانه ایشان با شروع به

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۷

جرم و مجازات معاون کلاهبردار می‌تواند، در فهم بهتر تأسیسات کیفری و استفاده از نقاط قوت و پوشاندن نقاط ضعف در قانون‌گذاری راهگشا باشد.

۱. مجازات‌های اصلی

۱.۱. کلاهبرداری ساده و مشدد

۱.۱.۱. کلاهبرداری ساده

ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» مجازات کلاهبرداری ساده را حبس از یک تا هفت سال و پرداخت جزای نقدی معادل مال اخذ شده را از طریق کلاهبرداری است.^۱

آنچه در خصوص این ماده قابل ذکر است، آن است، که مطابق ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات جرم کلاهبرداری ماده به «حبس از شش ماه تا سه سال و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود». پیداست که با توجه به ضروریات و مصالح اجتماعی در تشدید مجازات‌های کلاهبرداری، ارتشاء و اختلاس، در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ مجازات کلاهبرداری ساده، از شدت بیشتری برخوردار است. نکته دیگر آن‌که تناسب بهتری در مجازات ماده تشدید نسبت به ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات وجود دارد. چراکه در قانون تعزیرات، کلاهبردار ساده به ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. اما در قانون تشدید، اصل رعایت تناسب بزه با کیفر که مورد تأکید «بکاریا» در تعیین مجازات‌ها بوده است بیشتر تأمین می‌شود. «موانعی که انسان‌ها را از ارتکاب جرایم باز می‌دارد باید به همان اندازه که این جرایم مغایر با منافع عمومی است و به آن شدیدتر صدمه می‌رساند، قوی باشد. بکاریا بدون هیچ‌بحثی «کیفرهای نقدی» را می‌پذیرد. «زیرا کسی که در جست‌وجوی ثروت اندوزی با اموال دیگری است، باید شاهد کم و ناچیز شدن اموال خویش باشد، به این ترتیب بکاریا بین ماهیت بدی ناشی از بزه و ماهیت کیفر رابطه منطقی برقرار می‌سازد. ماهیت مجازات باید تا آن‌جا که میسر است، به بزه نزدیک باشد، به طوری که اندیشه بزه بلافاصله اندیشه کیفر را در ذهن فرد متداعی کند.» (ژان پرادل، ۱۳۸۱، صص ۵۰-۴۶)

بنا بر مطالب پیشین، اصل تناسب بین مجازات و کیفر با بزه ارتكابی و جنبه اربابی و پیش‌گیرانه مجازات در ماده را قانون تشدید با «پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است» بجای ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌شود. در قانون تعزیرات ماده ۱۱۶، بهتر رعایت شده است، مجازات کلاهبرداری ساده در قانون جزای فرانسه ۵ سال حبس و ۳۷۵/۰۰۰ هزار یورو جزای نقدی است.^۲

با توجه به این ماده، نکاتی قابل برداشت است، اول آن‌که مجازات حبس به ۵ سال تعیین شده است، که از این لحاظ قانون تشدید با بیان حداقل و حداکثر دست قاضی را در رعایت اصل فردی کردن مجازات، باز گذاشته است. مقتضای این اصل آن است، که مجازات با خصوصیات مجرم، داعی و انگیزه وی در ارتكاب جرم، اوضاع و احوال زندگی و شرایط محیطی مجرم و سوابق متهم و مجرم سازگاری داشته باشد.

نکته دوم آن‌که مجازات جزای نقدی در ماده ۱ تشدید جزای نقدی نسبی است. لکن جزای نقدی در ماده ۱-۳۱۳ جزای نقدی ثابت است، که در این خصوص در ادامه توضیح بیشتری داده می‌شود. نکته قابل تأمل در بالا بودن جزای نقدی است، که از دو وجه بررسی می‌شود. نخست آن‌که، نقش کیفر، سودمندی (فایده‌گرایی) است و نه اخلاقی. کیفر باید همزمان به «پیشگیری عام» یعنی بازداشتن دیگران از تقلید از بزه‌کار منجر شود، لکن بتنام به این نقش کیفر جنبه حساب‌گرانه و اقتصادی بیشتری، نسبت به بکاریا، می‌دهد. «هر فرد، حتی به‌طور ناخودآگاه، بنابر محاسبه خوبی (نفع و لذت) و بدی (رنج و ناراحتی) حاصل از کردار خود امور خویش را اداره می‌کند. اگر دریابد، که نتیجه عملی که از آن سود می‌برد کیفر خواهد بود، در آن صورت این اندیشه با نوعی قدرت وی را از ارتكاب آن عمل باز می‌دارد. اگر به نظر وی ارزش کلی کیفر بیشتر از ارزش کل لذت باشد، در آن صورت نیروی بازدارنده، نیروی حاکم خواهد بود و عمل انجام نخواهد شد. باید رنج کیفر از میزان سود بزه تجاوز کند. فرض کنید، سود حاصل از جرم برابر ده پوند و احتمال مجازات یک بر دو باشد، حال برای این‌که کیفر معادل سود حاصل از بزه گردد، باید آن را به بیست پوند رساند. روی هم رفته فردی که تصمیم به ارتكاب بزه می‌گیرد، در عمل همچون یک اقتصاددان با سبک و سنگین کردن

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۹

مزایا و معایبی (منافع و رنج‌هایی) که ممکن است از جرم نصیبش گردد، رفتار می‌کند. او قاضی منافع خود است. انسان بزه‌کار، انسانی است آزاد، باهوش و با عقل است، که به‌طور واقعی دست به محاسبه دقیق می‌زند. (ژاپن پرادل، ۱۳۸۱، صص ۶۱-۶۲)

نکته دوم آن‌که بالا بودن جزای نقدی در قانون فرانسه، نشان دهنده بالا بودن درآمد سرانه اتباع این دولت می‌باشد. این بحث خود نیازمند تفصیل بیشتری در علم «نشانه‌شناسی» است.

۱.۱.۲. کلاهبرداری مشدد

قسمت دوم ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» مجازات کلاهبرداری مشدد را بیان نموده است و به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و به پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود.^۳

در قسمت دوم ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات، مجازات کلاهبرداری مشدد «به حبس از یک تا پنج سال ضمن این‌که تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد» بوده است، که در قانون تشدید علاوه بر افزایش میزان حبس، جزای نقدی معادل مال اخذ شده بجای مجازات شلاق تعیین شده است.

نکته قابل ذکر در مورد مجازات کلاهبرداری مشدد آن است، که با توجه به این‌که کلاهبرداری مشدد ممکن است. توسط اشخاص غیر از کارمندان دولت ارتکاب یابد به‌طور مثال به وسیله افراد عادی که کلاهبرداری خود را از طریق وسایل ارتباط جمعی انجام می‌دهند- اشاره کلی قانون‌گذار به انفصال ابد از خدمات دولتی در این مورد نادرست به نظر می‌رسد و بهتر بود، که قانون‌گذار عباراتی چون «در صورت کارمند دولت بودن مرتکب» را قبل از اشاره به مجازات انفصال از خدمات دولتی اضافه می‌نمود، مگر آن که منظور قانون‌گذار «محرومیت» از اشتغال در سازمان‌ها و مؤسسات و نهادهای دولتی باشد که در این صورت نیز استفاده از کلمه «انفصال» نادرست است و به جای آن باید از کلمه محرومیت استفاده می‌شد که برای مثال در ماده ۵۷۲ قانون

۱۰ جعفر کوشا و رحمت‌اله رضایی

تعمیرات مصوب ۱۳۷۵ مورد استفاده قرار گرفته است. (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، صص ۱۰۸-۱۰۷)

مجازات کلاهبرداری مشدد در قانون فرانسه تا ۷ سال حبس و جزای نقدی تا ۷۵۰/۰۰۰ یورو است؛^۴ قانون مجازات فرانسه برای این چهار صورت مجازات مشدد کلاهبرداری تا ۷ سال و ۷۵۰/۰۰۰ هزار یورو در نظر گرفته است. اما وقتی کلاهبرداری به صورت باند سازمان یافته انجام پذیرد، مجازات حبس به ۱۰ سال و جزای نقدی تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ یورو افزایش می‌یابد؛ این قانون در ۹ مارس سال ۲۰۰۴ به تصویب رسیده است.^۵ کلاهبرداری به صورت سازمان یافته در ماده ۴ قانون تشدید، مجازات شدیدی دارد به طوری که اگر عمل فرد مشمول عنوان مفسد الارض باشد، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود. و طبق ماده ۱۹۰ قانون مجازات اسلامی، حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است:

۱- قتل

۲- آویختن به دار

۳- اول قطع دست و سپس پای چپ

۴- نفی بلد

اما اگر مصداق افساد فی الارض نباشد، به شرح این ماده (ماده ۴ قانون تشدید) که در ذیل می‌آید، مجازات می‌گردد:

ماده ۴ قانون تشدید: «کسانی که با تشکیل یا رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت می‌ورزند. علاوه بر... استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل مجموع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از پانزده سال تا ابد محکوم می‌شوند و در صورتی که مصداق مفسد فی الارض باشد، مجازات آن‌ها مجازات مفسد فی الارض خواهد بود.

نکته دیگر قابل ذکر آن است که در قانون جزای فرانسه تنها حبس و جزای نقدی به عنوان مجازات کلاهبرداری در نظر گرفته شده است. اما قانون تشدید مجازات

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۱۱

مصوبه ۱۳۶۷ علاوه بر ایند و «انفصال دایم از خدمات دولتی» را نیز مقرر نموده است، که از جهت سلب اعتماد به کارمند و مأمور دولتی با انجام بزه کلاهبرداری مناسبت بیشتری دارد. اما بشرطی که در ماده ۱ قانون مزبور، همچون قانون فرانسه قید «در انجام وظیفه یا بر حسب انجام وظایف و برنامه‌ها» را برای مأمورین دولتی می‌آورد:

dans l'exercice ou à l'occasion de l'exercice de ses fonctions ou de sa mission

در واقع به کارمندی که از موقعیت شغلی خود در جهت کلاهبرداری سوء استفاده می‌کند، نمی‌توان اعتماد داشت، اما اگر کارمند دولت به صرف وصف شغلی اما بی‌ارتباط با وظایف و برنامه‌های کاری خود، مرتکب جرم کلاهبرداری شود، چه موجبی برای عدم اعتماد در وظایف شغلی و حسن انجام امور اداری وجود دارد؟!

۱.۲. جزای نقدی ثابت و نسبی

۱.۲.۱. جزای نقدی ثابت

در قانون جزای فرانسه، میزان مجازات نقدی را ثابت گرفته است: در کلاهبرداری ساده مقرر در ماده ۱-۳۱۳ به میزان ۳۷۵۰۰۰ هزار یورو، در کلاهبرداری مشدد تا ۷۵۰۰۰۰ هزار یورو و در مشدد همراه با باند سازمان یافته، تا ۱۰۰۰۰۰۰ میلیون یورو در نظر گرفته است.

امروزه تعیین مبلغی ثابت که بی‌کم و کاست به محکومیت آن حکم داده شود، کمتر در قوانین موضوعه مصداق دارد. در این شیوه از تعیین نقدی آن‌چه بیشتر مدنظر قانون‌گذار است، خطرناکی جرم و عواقب ناگوار احتمالی آن است تا وضع بزه‌کار، مانند جریمه بزه‌کار، مانند جریمه نقدی تخلف از مقررات رانندگی. مهم‌ترین عیب این شیوه تأثیرپذیری جریمه نقدی از نوسان‌های ارزش پول رایج است. از این‌رو قانون‌گذار ناگزیر است، هرچند وقت یک‌بار مبالغ جریمه‌های نقدی را با وضع کشور تطبیق دهد. شیوه‌ای که بیشتر مرسوم است تعیین کم‌ترین و بیشترین (حد‌اقل و حد‌اکثر) میزان جریمه نقدی است. در این شیوه اختیار قاضی در تعیین مجازات متناسب با وضع مالی بزه‌کار و نوع جرم و در نتیجه افزایش اثر ارعابی اصلاحی مجازات بسیار است. تعیین حد‌اکثر جریمه نقدی بدون تعیین حد‌اقل آن از این حیث که دگرگونی‌های اجتماعی

۱۲ جعفر کوثر و رحمت‌اله رضایی

قضاوت عموم درباره اهمیت جرم و سرانجام واکنش توده مردم را تغییر می‌دهد، به قاضی اختیار تام خواهد داد تا میزان مجازات را بر حسب اوضاع و احوال اجتماعی در حد محکومیت نمادی تعیین کند. (اردبیلی، ۱۳۷۸، ص ۱۶۹) در مجازات کلاهبرداری، قانون جزای فرانسه جزای نقدی تا ۷۵۰۰۰۰ هزار یورو و نیز تا ۱۰۰۰۰۰۰ میلیون یورو، در نظر گرفته است. بنابراین به قضات آزادی عمل داده شده است و این به منظور اصل فردی ساختن کیفر است.

۱.۲.۲. جزای نقدی نسبی

فلسفه جزای نقدی متغیر یا نسبی این است، که بزه‌کار را در تلاش برای کسب منفعت ناحق با تعیین جریمه‌ای بیش از عواید ناشی از جرم ناامید کند. وقتی قانون‌گذار برای مجازات کلاهبرداری «پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است» را در نظر می‌گیرد. قصد دارد، درترازوی سنجش سود و زیان عمل به گفته بتنام کفه را به سود عدالت کیفری سنگین‌تر کند تا بزه‌کاران نفع خود را در احتراز از عمل بجویند. (اردبیلی، ۱۳۷۸، صص ۱۷۱-۱۷۰)

۱.۳. مزایا و عیوب مجازات نقدی

۱.۳.۱. مزایای مجازات نقدی

حقوق‌دانان درباره مزایای مجازات نقدی نسبت به مجازات‌های دیگر سخن بسیار گفته‌اند، که ماحصل آن را می‌توان در چند نکته خلاصه کرد: نخست، به عکس مجازات زندان که به هر حال آثار مخرب روانی و جسمانی آن پنهان نیست، مجازات نقدی فساد و تباهی در رفتار بزه‌کار بر نمی‌انگیزد. دوم، اثر اربعابی مجازات زندان پایدار نیست و بزه‌کار پس از محکومیت‌های مکرر به زندان دشواری‌های آن را احساس نمی‌کند. به سخن دیگر، به محیط زندان خو می‌گیرد. لکن مجازات نقدی، هرچند بار اجرا شود، هم‌چنان آزار دهنده است. سوم، ایجاد تناسب میان جرم و مجازات نقدی از هر مجازات دیگری آسان‌تر است. قابلیت انطباق مجازات نقدی با شدت تقصیر زیاد است و می‌توان آن را به میزان استحقاق بزه‌کار معین کرد. چهارم، کیفرهای نقدی بهترین پادزهر برای جرایم علیه مالکیت است. کسانی که انگیزه قوی برای گردآوری

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۱۳

مال و تحصیل منفعت از قبل دیگران به ناحق دارند، مانعی بازگرداننده بر سر راه خود می‌بینند. پنجم، در حالی که اجرای مجازات زندان برای دولت پرهزینه است، مجازات نقدی نه تنها برای دولت هزینه در بر ندارد، بلکه منبع درآمد نیز هست، بنابراین کیفر نقدی از نظر اقتصادی مقرون به صرفه است. (ژان پرادل، ۱۳۸۱، ص ۴۱)

۱.۳.۲. عیوب جزای نقدی

برای مجازات نقدی عیوبی بر شمرده‌اند، که کمتر از مزایای آن نیست، اهم آن عبارت است از:

نخست، اجرای کیفر نقدی موجب کسر و نقصان دارایی همه کسانی است، که از این منبع، زندگی‌شان تأمین می‌شود و تضییع حقوقی مالی احتمالی آن‌ها است. بنابراین، کیفر نقدی مغایر اصل شخصی بودن مجازات‌ها است؛ این ایراد چندان وارد نیست. زیرا اجرای هر مجازات دیگر نیز خواه ناخواه آثاری دارد، که به همه خویشاوندان و وابستگان محکوم علیه سرایت می‌کند. این اشکال به نوعی دیگر نیز به بکاریا وارد شد، که دزدی اغلب نتیجه فقر و تنگدستی است. لکن از آن‌جا که بکاریا فردی واقع بین است می‌داند، که جریمه نقدی «که نان بیگانگان را می‌برد» همیشه مجازات مناسبی نیست. در این مورد بکاریا مجازات دیگری را که نوعی «بردگی موقت است، که کار و شخص بزه‌کار را در خدمت جامعه، به منظور خسارت‌زدایی از آن قرار می‌دهد» پیشنهاد می‌کند. این در واقع همان «خدمات عمومی» امروزی است، که بکاریا با عنوان نخستین فرد آن را در قالب مجازات توصیه کرده بود. (ژان پرادل، ۱۳۸۱، ص ۴۶)

دوم، در اجرای کیفر نقدی برابری که اصلی متبع در تعیین مجازات‌ها است، مراعات نمی‌شود. زیرا تهیدستان بیش‌تر از توانگردان که دارای قدرت مالی بیشتری هستند، از اجرای این مجازات آسیب می‌بینند. دادگاه نیز ابزاری برای سنجش میزان قدرت و تمکن مالی اشخاص در اختیار ندارد.

۱۴ جعفر کوشا و رحمت‌اله رضایی

سوم، اجرای کیفر نقدی هیچ‌گاه حتمی نیست، اعسار محکوم‌علیه مانع وصول جریمه نقدی است و سرانجام به حبس او منتهی می‌شود. چنان‌چه ماده ۱ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷/۸/۱۰ مقرر می‌دارد: «هرکس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید، به دستور قاضی صادر کننده حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می‌گردد و با تصویب رئیس قوه قضاییه مستند به تبصره ذیل همین ماده از تاریخ ۱۳۸۱/۱/۱ مبلغ پنجاه هزار ریال به یکصد هزار ریال افزایش یافته است.»

چهارم، در بسیاری از نظام‌های کیفری تأدیه جریمه نقدی به جای محکوم‌علیه در صورت عجز او از پرداخت متداول و مقبول است. این شیوه یعنی خالی کردن مفهوم مجازات از محتوای واقعی خود و بی‌تأثیر کردن آن.

پنجم، اثر رسواکنندگی کیفرهای نقدی کافی نیست. به همین دلیل بزه‌کاران با طیب خاطر آن را می‌پردازند تا از سرزنش عمومی در امان باشند. ایرادهای مذکور را هم‌چنان‌که بعضی از کشورها پذیرفته‌اند، با پیش گرفتن سیاست‌هایی مانند کار بدل از جزای نقدی، تقسیط جریمه کیفری تا حدود بسیاری رفع کرده‌اند. زیرا کیفرهای نقدی بیش از مجازات‌های دیگر همچون مجازات شلاق، حبس یا دیگر مجازات‌ها قابلیت انعطاف و انطباق با وضع محکوم‌علیه را دارد. (اردبیلی، ۱۳۷۸، صص ۱۶۹-۱۶۸)

۱.۳.۳. مجازات شروع به کلاهبرداری

مجازات شروع به کلاهبرداری در تبصره ۲ ماده ۱ «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری» مورد پیش‌بینی قرار گرفته است. به موجب این تبصره: «مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود.»

شایان ذکر است، تبصره ماده ۱۱۶ قانون تعزیرات «مجازات شروع به کلاهبرداری تا ۷۴ ضربه شلاق» می‌دانسته است، لکن در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۱۵

مصوب مجمع تشخیص مصلحت ۱۳۶۷ آنرا «حدأقل مجازات مقرر در هر مورد» دانسته است. در مورد جرم تام کلاهبرداری ساده، «حدأقل مجازات مقرر» یعنی حدأقل آنچه که قاضی می‌تواند، به عنوان مجازات تعیین کند، عبارت است، از یک سال حبس و جزای نقدی معادل مالی که کلاهبردار اخذ کرده است و در مورد جرم تام کلاهبرداری مشدد، «حدأقل مجازات مقرر» عبارت می‌باشد، از دو سال حبس و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که کلاهبردار اخذ کرده است.

لکن چون در شروع به کلاهبرداری مرتکب هنوز مالی را اخذ کرده است، تعیین جزای نقدی «معادل مالی که کلاهبرداری اخذ کرده است» بی‌معنی به نظر می‌رسد. بنابراین توضیح در این حالت تنها حکم به حبس و انفصال به میزان پیش گفته داده خواهد شد. (د. میرمحمدصادقی، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹)

در قانون جزای فرانسه، مجازات شروع به کلاهبرداری در ماده ۳-۳۱۳ پیش‌بینی شده است:^۶ به موجب این ماده، مجازات شروع به جرم در بخش کلاهبرداری، مجازات همان جرم تام است. در فرانسه، قاعده‌ای وجود دارد که شروع به جنایت همواره جرم است و شروع به جنحه همواره جرم نیست، مگر این‌که تصریح شده باشد (کوشا، ۱۳۸۴، ص ۱۲) این قاعده در ماده ۴-۱۲۱ آمده است.^۷

مجازات حبس، اگر از ۱۰ سال بیشتر باشد، یعنی ۱۰ سال و یک روز، جنایی است و کمتر از آن مجازات جنحه‌ای است، از آنجا که مجازات کلاهبرداری حبس ۵ سال و حالت مشدد آن حبس ۷ سال یا ۱۰ سال است، لذا مجازات جنحه‌ای وجود دارد، شروع به جرم آن نیاز به تصریح به شرح ماده ۳-۳۱۳ دارد. چنین قاعده‌ای در قبل از انقلاب نیز در قانون مجازات عمومی وجود داشته است، به موجب ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی، شروع به جنایت، جرم بوده و به موجب ماده مزبور شروع کننده به جنایت به حدأقل مجازاتی که به نفس جنایت مقرر است، محکوم است و اگر مجازات جنایت اعدام باشد مرتکب به حبس غیر دائم با مشقت محکوم می‌شود و در مورد جنحه‌ها، به موجب ماده ۲۳ قانون مجازات عمومی در موارد مصرح قابل مجازات می‌باشد و آنرا قانون‌گذار تعیین می‌کند. (باهری، ۱۳۸۰، صص ۲۲۱-۲۲۰)

لکن در قانون مجازات اسلامی تقسیم‌بندی به جنحه و جنایت از بین رفته است، و در ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی بحث شروع به جرم مطرح شده است، با دقت در این ماده و دو تبصره آن تنها می‌توان دریافت، که شروع به جرم عبارت است از «هرکس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن به میل خود آن را ترک کند و جرم منظور واقع نشود، شروع به جرم است».

اما در این ماده، نه تنها مجازاتی برای شروع به جرم تعیین نکرده است، بلکه حتی شروع به جرم را جرم ندانسته است و تنها فایده این ماده به دست دادن تعریفی از شروع به جرم است و تفاوت آن را با انجام اقدامات و عملیاتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد، را تفکیک کرده است، مگر آن‌که بخواهیم از تبصره ۱ ماده ۴۱ ق.م. یک مفهوم گرفته و از عبارت «از این حیث قابل مجازات نیست» استفاده کنیم، که اگر عملیات انجام شده فراتر از مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم داشته باشد، شروع به جرم بوده و از این حیث قابل مجازات است. (مفهوم مخالف تبصره ۱ ماده ۴۱ قانون مجازات اسلامی)

۱.۳.۴. نظریه عینی و ذهنی

در قانون جزای ایران چه در قانون مجازات عمومی و چه در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاه‌برداری مصوبه مجمع تشخیص مصلحت در سال ۱۳۶۷، مجازات شروع به کلاه‌برداری حداقل مجازات جرم تام است لکن در قانون جزای فرانسه، به موجب ماده ۳-۳۱۳ همان مجازات، جرم تام دارد. تفاوت این دو مجازات در دو دیدگاه است:

۱.۳.۴.۱. نظریه عینی

در ضابطه عینی، تأکید بر مجرم نیست. بلکه بر جرمی است، که باید با کیفر جبران شود، عدالت کیفری نظم مختل شده را احیاء می‌کند و با مجازاتی شبیه به بزه، تعادل را در جامعه برقرار می‌سازد. در این صورت کیفر باید، طبق مفاهیم قصاص، دقیقاً همانند جرم ارتكابی باشد. بنابراین نخست باید بین شدت کیفر و شدت بزه، شباهت وجود داشته باشد.

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۱۷

در این دیدگاه که دیدگاهی سنتی در حقوق جزا است و بر نقش سزادهی کیفر تکیه دارد، به موضوع و نتیجه عمل نظر می‌کند، بدون آن‌که به انگیزه بزه‌کار توجه کنند. قانون‌گذار ایران نیز از نظر عینی تبعیت می‌کند، چون هنوز شخص نتوانسته است، اهدافش را محقق نماید، پس میزان اخلال در نظم اجتماعی وی اندک است، بر خلاف جرم تام که اخلال بیشتری دارد، بنابراین فاعل شروع به جرم به مجازات خفیف‌تری محکوم می‌شود، این دیدگاه در مورد معاون جرم نیز صادق است، معاون جرم کسی است، که در ارتکاب بزه، همکاری و مساعدت می‌کند و در واقع فاعل (مباشر) جرم اصلی است، که نظم اجتماعی را مختل می‌نماید. لذا مجازات شدیدتری برای فاعل اصلی است و برای معاون جرم مجازاتی خفیف‌تر در نظر گرفته می‌شود چنان‌چه ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی بیان می‌دارد: «هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود».

۱.۳.۴.۲. نظریه ذهنی

بر خلاف نظریه عینی که به میزان اخلال در نظم اجتماعی و به تعبیری دیگر به «جرم» توجه می‌نماید. در نظریه ذهنی توجه به فرد مجرم است، در واقع در این دیدگاه به حالت خطرناک فرد نگریسته می‌شود و با مجازات وی به دنبال اصلاح و از میان بردن خطرناکی وی می‌باشد. این دیدگاه را باید در نظریه‌های «دفاع اجتماعی نوین» و توجه به «حالت خطرناک» فرد ریشه یابی نمود، در نظرگاه طرفداران دفاع اجتماعی «موجودات بشری را به عنوان موجودات اجتماعی که تکلیفی نسبت به اجتماع دارند مورد ملاحظه قرار داد و در مجرم فردی را دید که به نظم اجتماعی آسیب می‌رساند» از آن‌جا که تعیین میزان مجازات از طریق مسئولیت میسر نیست و فردی که کم‌ترین مسئولیت را دارد، می‌تواند در عین حال خطرناک‌ترین افراد باشد، معیار حالت خطرناک باید جانشین معیار مسئولیت اخلاقی شود. عمل مجرمانه به وسیله حالت دائمی فرد پوشیده و پنهان است.

دل‌نگرانی مدافعان اجتماعی در مورد حمایت از نظم اجتماعی آن‌چنان شدید است، که باعث می‌شود ایشان تدابیری برای مرحله پیش از ارتکاب جرم نیز در نظر

بگیرند و این قدمی بود که آموزه‌های کیفری تا این هنگام بر نداشته بود. به‌عنوان مثال پرینس تصریح می‌کند همان‌طور که برای تأمین بهداشت جسم تشکیلاتی داریم. «به یک سرویس بهداشت روانی و اخلاقی که معالجه بیماران روانی را به عهده گیرد نیاز داریم» این دسته از پیشنهادات در جهت طرد حالت خطرناک و ایجاد تدابیر برای مرحله پیش از ارتکاب جرم، طرفدارانی فراوان داشت. (ژان پرادل، ۱۳۸۱، صص ۱۱۰-۱۰۸)

وقتی برای مرحله پیش از ارتکاب جرم در جهت مبارزه با حالت خطرناک مرتکب می‌توان تدابیری اندیشید، بر طبق این دیدگاه، به طریق اولی، می‌توان در مرحله شروع به جرم نیز حالت خطرناک مرتکب را همانند حالت خطرناک مجرم جرم تام دانست و برای هر دوی ایشان مجازات یکسانی در نظر گرفت، ملاحظه می‌گردد، که در واقع مجازات مرتکب شروع به جرم به میزان مجازات جرم اصلی، در واقع سیاست جنایی پیش‌گیرانه است. (کوشا، ۷۵-۱۳۷۴، ص ۱۳)

به تعبیری دیگر باید این تغییر نگرش در رویه قانون‌گذاران که مجازات شدیدی برای شروع به جرم در نظر می‌گیرند، را باید از تأثیر داده‌های علوم جنایی در حقوق کیفری دانست.

علاوه بر یکسان بودن مجازات مرتکب شروع به جرم با جرم تام، مجازات معاون جرم نیز در قانون جزای فرانسه همسان مباشر جرم است. این موضوع در ماده ۶-۱۲۱ آمده است.^۸

نکته قابل توجه آن‌که قانون‌گذار فرانسه، نظریه عینی و توجه به میزان اختلال در نظم اجتماعی را به‌طور کلی از نظر دور نگاه نداشته است، با دقت در مجازات کلاه‌برداری مشاهده می‌گردد، که به‌طور مثال در ماده ۲-۳۱۳ مجازات کلاه‌برداری مشدد را تا ۷ سال در نظر گرفته است و تا ۷۵۰۰۰۰ یورو و مجازات شروع به جرم نیز به همین منوال است، حال دست قاضی کیفری باز است، که در جهت اصل فردی کردن مجازات به احوال جرم نظر کرده و با لحاظ ضابطه عینی میزان اختلال در نظم اجتماعی را در نظر گرفته و در این بازه یعنی از چند روز تا ۷ سال و جزای تقدی تا

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۱۹
۷۵۰۰۰۰ یورو مبلغ مناسبی را تعیین نماید. (کوشا، ۷۵-۱۳۷۴، ص ۱۴) بنابراین مشاهده می‌شود که قانون‌گذار فرانسه میان دو نظریه ذهنی و عینی جمع نموده که اولی در قانون‌گذاری و دومی در مرحله تعیین مجازات است.

۲. مجازات‌های تبعی و تکمیلی (تتمیمی)

۲.۱. مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی)

مجازات‌های تتمیمی به مجازات‌هایی گفته می‌شود که به مجازات اصلی افزوده می‌شود و علاوه بر این که باید در دادنامه ذکر گردد هیچ‌گاه به تنهایی مورد حکم قرار نمی‌گیرد. زیرا مجازات‌های مذکور باید مجازات اصلی را تکمیل نماید. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۶۱۵؛ اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۵) مجازات‌های تتمیمی مانند مجازات‌های اصلی تابع اصل قانونی بودن مجازات‌ها است، این دسته از مجازات‌ها به نوبه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند:

۲.۱.۱. مجازات‌های تتمیمی (تکمیلی) اختیاری

جواز صدور حکم محکومیت به مجازات تتمیمی و انواع آن در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی به این شرح آمده است: «دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان تتمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید» و به موجب ماده ۲۰ همین قانون: «محرومیت از بعض یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد، بنابراین، با توجه به این که مجازات کلاهبرداری نیز از نوع تعزیر می‌باشد، دادگاه می‌تواند، علاوه بر مجازات‌های مقرر در ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، مجازات‌های تتمیمی مقرر در ماده ۱۹ را نیز برای محکوم علیه مقرر کند.

۲.۱.۲. مجازات‌های تتمیمی (تکمیلی) اجباری

در تعیین مجازات تتمیمی قاضی مختار نیست، بلکه مجبور است، علاوه بر مجازات اصلی، مجازات دیگری که متمم مجازات یا حکم اصلی است، را در نظر بگیرد. در ماده ۱ قانون تشدید عبارت «رد اصل مال به صاحبش» را آورده است، به نظر با توجه به تأکید ماده ۱۰ قانون اسلامی که دادگاه در کلیه امور جزایی باید ضمن صدور حکم مبنی بر محکومیت نسبت به اشیاء و اموالی که در اثر جرم تحصیل شده حکم مخصوص صادر نماید و تعیین نماید، که آن‌ها باید مسترد شود و باتوجه به این که از راه کلاهبرداری، مال به مالکیت کلاهبردار در نمی‌آید و کماکان در مالکیت فرد فریب خورده باقی است و شخص کلاهبردار ید ضمانی و غاصبانه نسبت به اموال دارد. باید به صاحب آن مسترد دارد، نمی‌تواند وصف مجازات داشته باشد، بلکه از فروع مسئولیت مدنی است و باید فرد کلاهبردار آن‌را باز گرداند و فقط استرداد آن ضمن صدور حکم اصلی، می‌آید. اما در قسمت دوم ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری سال ۱۳۶۷ به «انفصال ابراز خدمات دولتی» در مورد کلاهبرداری مشدد اشاره شده است.

به نظر می‌رسد، این «انفصال ابد از خدمات دولتی» مصداق مجازات تتمیمی (تکمیلی) اجباری است، که با توجه به تکلیف قانون‌گذار، دادگاه باید نسبت به آن حکم صادر نماید. شایان ذکر است، که قانون‌گذار برای شروع به جرم نیز مجازات تتمیمی (تکمیلی) اجباری در نظر گرفته است، این موضوع در قسمت دوم تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید آمده است:

«مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنان‌چه در مرتبه مدیر کل یا بالاتر یا هم‌طراز آن‌ها باشند، به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند». مجازات‌های تکمیلی در مورد اشخاص حقیقی در ماده ۷-۳۱۳ قانون جزای فرانسه آمده است: به موجب این ماده اشخاص حقیقی که جنحه‌های مواد ۱-۳۱۳ *

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۲۱

۳۱۳-۲ * ۳۱۳-۶ * ۳۱۳-۱-۶-۳۱۳ محکوم خواهند بود، به مجازات‌های تکمیلی که در ذیل به آن اشاره می‌شود، محکوم می‌گردند:

۱. ممنوعیت از حقوق اجتماعی، مدنی و خانوادگی بر طبق کیفیاتی که در ماده

۱۳۱-۲۶ پیش‌بینی شده است.^۹

۲. بر طبق کیفیات پیش‌بینی شده در ماده ۱۳۱-۲۷، ممنوعیت از انجام کارها و

خدمات عمومی یا انجام فعالیت حرفه‌ای یا اجتماعی که در انجام یا به مناسبت انجام آن کار، جرم اتفاق افتاده است به مدت حداکثر ۵ سال.^{۱۰}

۳. بستن مؤسسات یا یک یا چند مؤسسه از بنگاهی که برای ارتکاب اعمال

مجرمانه سرویس ارائه می‌دهد، به مدت حداکثر ۵ سال.^{۱۱}

۴. ضبط اشیائی که در ارتکاب جرم استفاده شده یا به وسیله ارتکاب جرم بدست

آمده یا اشیایی که جرم بواسطه آن انجام شده است به استثنای اشیایی که باید مسترد گردند.^{۱۲}

۵. ممنوعیت از اقامت بر طبق کیفیاتی که در ماده ۳۱-۱۳۱ پیش‌بینی شده

است.^{۱۳}

۶. ممنوعیت از صدور چک مگر در مواردی که برای برداشت حقوق نزد

شخصی که مورد اعتماد است کشیده شده، به مدت حداکثر ۵ سال.^{۱۴}

۷. آگهی یا انتشار حکم اعلام شده با شرایط مندرج در ماده ۳۵-۱۳۱.^{۱۵}

۸. اشخاص حقیقی که به موجب مواد ۱-۳۱۳ * ۲-۳۱۳ * ۶-۳۱۳ * ۱-۳۱۳ محکوم

شده‌اند، به مدت حداکثر ۵ سال از معاملات عمومی منع می‌شوند.

۲.۲. مجازات‌های تبعی

مجازات‌های تبعی از آثار مترتب بر محکومیت جزایی است و هیچ‌گاه در حکم

دادگاه قید نمی‌شود. (جعفری‌لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۶۱۵؛ اردبیلی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷) تبعات

محکومیت جزایی عمدتاً محرومیت از حقوق اجتماعی است که قانون‌گذار آن را به

زمان محدود کرده است. پس از اجرای حکم و انقضای این مدت آثار محکومیت زایل

۲۲ جعفر کوشتا و رحمت‌اله رضایی

می‌گردد. ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۲۷ اردیبهشت ۱۳۷۷) مدت‌های مذکور را در جرایم عمدی به این شرح و پیش‌بینی کرده است:

۱. محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم.
 ۲. محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم.
 ۳. محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال، دو سال پس از اجرای حکم.
- مجازات کلاه‌برداری نیز حبس تعزیری است و در کلاه‌برداری ساده مجازات را تا ۷ سال حبس و در کلاه‌برداری مشدد حبس از ۲ تا ۱۰ سال در نظر گرفته شده است، بنابراین اگر دادگاه در حکم صادره، کلاه‌برداری را به بیش از سه سال حبس تعزیری محکوم نماید، مشمول بند ۳ ماده ۶۲ مکرر قانون مجازات اسلامی می‌گردد.
- در ادامه تبصره ۱، ماده ۶۲ مکرر همین قانون اشاره دارد که:

«حقوق اجتماعی عبارت است، از حقوقی که قانون‌گذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل:

- حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی و خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری.
- عضویت در کلیه انجمن‌ها و شوراهای جمعیت‌هایی که اعضا آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند.
- عضویت در هیأت‌های منصفه و امناء.
- اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه‌نگاری.
- استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی، شرکتها، مؤسسات وابسته به دولت، شهرداری‌ها، مؤسسات مأمور به خدمات عمومی، ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی.
- وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفتر یاری.
- انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی.
- استفاده از نشان و مدال‌های دولتی و عناوین افتخاری.

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۲۳

قانون‌گذار انواع مجازات‌های تبعی را در تبصره ماده ۶۲ مکرر به صورت تمثیلی آورده است. عبارت «از قبیل» مزید این مطلب است. بنابراین می‌توان محرومیت‌ها در قوانین مختلف را به تبع محکومیت کلاهبرداری بر وی تحمیل نمود و به عبارتی دیگر این دسته قوانین نسخ نشده‌اند، همچون محرومیت از انتخاب شدن به مدیریت شرکت (به موجب ماده ۱۱۱، لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴)، محرومیت از اخذ پروانه دلالی (به موجب بند ۶، ماده ۲، قانون راجع به دلالان، مصوب ۱۳۱۷/۱۲/۸) محرومیت از تأسیس یا مدیریت مؤسسه بیمه (ماده ۶۴، قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه گری، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ که اشعار می‌دارد: اشخاصی که در ایران یا در خارجه به علت ارتکاب جنایت یا دزدی یا خیانت در امانت یا کلاهبرداری یا صدور چک بی محل یا اختلال یا معاونت در یکی از جرایم فوق محکوم شده باشند و ورشکستگان به تقصیر نمی‌توانند جزو موسسین یا مدیران موسسات بیمه باشند. همچنین واگذاری نمایندگی به این اشخاص و اشتغال به دلالی از طرف آنان ممنوع است).

در قانون جزای فرانسه، مجازات‌های تبعی را می‌توان در قانون مجازات سابق و جدید مورد بررسی قرار داد، بر طبق قانون مجازات سابق در امور جنایی صریحاً، منع قانونی مربوط به کلیه مجازات‌های زجر دهنده و ترذیلی عدم اهمیت مضاعف دادن و گرفتن مجانی مربوط به کلیه محکومان به یک مجازات دائم و محرومیت از حقوق اجتماعی را به عنوان مجازات‌های تبعی معرفی می‌کرد. (استفانی، ۱۳۷۷، ص ۶۶۷) در قانون مجازات جدید، مجازات‌های تبعی پذیرفته نشده است چراکه بر اساس ماده ۱۷-۱۳۲ «هیچ مجازاتی بدون تصریح دادگاه قابل اجرا نیست».^{۱۶}

هرچند ممنوعیت از تمام یا بخشی از حقوق اجتماعی، مدنی و خانوادگی که در ماده ۲۶-۱۳۱ پیش‌بینی نشده است، نمی‌تواند به طور خودکار از محکومیت جزایی ناشی گردد اما مقررات مربوط به قوانین مختلف در خارج از قانون مجازات جدید در مورد مجازات‌های تبعی کماکان باقی است. (استفانی، ۱۳۷۷، ص ۶۶۷)^{۱۷}

البته ماده ۲۱-۱۳۲ در بند ۲ می‌گوید، که اشخاصی که در اجرای یک متن مخصوص یک ممنوعیت محرومیت یا عدم اهلیت به هر صورت که باشد، از یک محکومیت جزایی دارند، بر طبق شرایط پیش‌بینی شده در قانون آیین دادرسی با گذشت مدت زمان مربوط به آن ممنوعیت، محرومیت یا عدم اهلیت توسط قاضی صادر کننده حکم یا قاضی بعد از وی، تمام یا بخشی از آنرا بردارد.^{۱۸}

۳. نتیجه‌گیری

در قوانین کیفری ایران، قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۶۷ در ماده ۱ به جرم‌انگاری و مجازات کلاهبرداری پرداخته است و در این ماده کلاهبرداری ماده و مشدد آمده است. این قانون از قانون تعزیرات ۱۳۶۲ که در ماده ۱۱۶ به بحث کلاهبرداری پرداخته از جهتی شدیدتر است و از جهت دیگر مجازات‌های مناسب‌تر با ماهیت بزه کلاهبرداری در نظر گرفته است.

در قانون جزای فرانسه مجازات کلاهبرداری ساده در ماده ۱ - ۳۱۳ به حبس ۵ سال و جزای نقدی ۳۷۵۰۰۰۰ هزار یورو و مجازات کلاهبرداری مشدد در ماده ۲ - ۳۱۳ تا ۷ سال حبس و جزای نقدی تا ۷۵۰۰۰۰ هزار یورو و در صورت انجام آن به صورت باندسازمان یافته تا ۱۰ سال حبس و جزای نقدی تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ میلیون یورو، آمده است. حبس و جزای نقدی دو مجازات مشابهی است، که در قانون جزای فرانسه و ایران برای کلاهبرداری در نظر گرفته شده است، اما جزای نقدی در قانون ایران به صورت نسبی است، یعنی معادل مال اخذ شده، و در قانون فرانسه به صورت مطلق و ثابت است. به شرح فوق‌الذکر که هر یک از این دو دارای معایب و مزایایی می‌باشد.

مجازات شروع به کلاهبرداری و معاونت در کلاهبرداری در قانون جزایی ایران «حداقل مجازات مقرر» در مورد جرم تام و اصلی است و این نشان‌دهنده پیروی قانون‌گذار ایران از نظریه عینی و توجه به میزان اختلال در نظم اجتماعی است. لکن در قانون جزای فرانسه، مجازات شروع به کلاهبرداری و معاونت در جرم، مجازات جرم تام و جرم اصلی است به این ترتیب قانون‌گذار فرانسه از نظریه ذهنی که توجه آن بیشتر

مطالعه تطبیقی مجازات کلاهبرداری در حقوق ایران، فرانسه و فقه امامیه ۲۵

به حالت خطرناک مرتکب است و به دنبال پیش‌گیری از وقوع بزه می‌باشد، پیروی کرده است. هرچند که قاضی دادگاه می‌تواند، تا ۷ سال یا تا ۱۰ سال میزان اختلال در نظم اجتماعی را نیز در نظر گیرد. قانون مجازات اسلامی برای کلاهبرداری مجازات تبعی و برخی از محرومیت‌ها از حقوق اجتماعی را در صورتی که حبس کلاهبردار بیش از ۳ سال توسط دادگاه تعیین گردد، در نظر گرفته است. لکن قانون‌گذار فرانسوی هیچ مجازاتی را بدون تصریح در قانون نپذیرفته است و به‌جز مجازات‌هایی که در قوانین مختلف وجود دارد، اصولاً مجازات سری را قبول ندارد. اما در مورد مجازات‌های تکمیلی آن را در ماده ۷-۳۱۳ برای کلاهبرداری اجباری دانسته است، البته در این مورد قانون‌گذار ایرانی از طرفی مجازات تکمیلی اجباری را در همان ماده ۱ قانون تشدید با انتقال از خدمات دولتی در نظر گرفته و در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مجازات تکمیلی را به اختیار قاضی برای تقسیم مجازات کلاهبرداری مقرر نموده است. در پایان نیز، در تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید بند ۲ آن برای شروع به جرم نیز مجازات تکمیلی اجباری در نظر گرفته شده است، در حالی‌که در قانون جزای فرانسه برای شروع به جرم مجازات تکمیلی پیش‌بینی نشده است.

۱- ماده ۱ قانون مذکور بدین شرح است: «هرکس از راه حيله و تقلب مردم را به وجود شرکت‌ها یا تجارت خانه‌ها یا کارخانه‌ها یا مؤسسات موهوم یا به داشتن اموال و اختیارات واهی فریب دهد یا به امور غیر واقع امیدوار نماید یا از حوادث و پیش آمدهای غیر واقع بترساند و یا اسم و یا عنوان مجعول اختیار کند و به یکی از وسایل مذکور و یا وسایل تقلبی دیگر وجوه و یا اموال یا اسناد یا حوالجات یا قبوض یا مفاسد حساب و امثال آنها تحصیل کرده و از این راه مال دیگری را ببرد کلاهبردار محسوب و علاوه بر رد اصل مال به صاحبش، به حبس از یک تا ۷ سال و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می‌شود»

2- Escroquerie est le fait , soit par L' usage d'un faux nom ou d'une Fausse qualité , soit par L'abus d'une qualité vraie , soit par L'emploi de maunauvres Frauduleuse , de tromper une personne physique au morale et de la déterminer ainsi ainsi , a son prejugdice au au préjudice d'un ters , a remettre des fonds , des Jaleurs ou bien quelconque , a fournir an service ou a consentir un acte opérant obligation ou décharge. L'escroquerie est punie de cinq ans d emprisonnement et de 375 000 euros d aménd »

۳- قسمت دوم ماده (۱) بدین شرح است:

«در صورتی که شخص مرتکب بر خلاف واقع عنوان یا سمت یا مأموریت از طرف سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت یا شرکت های دولتی یا شوراها یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و به طور کلی قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و نهادهای و مؤسسات مأمور به خدمت عمومی اتخاذ کرده یا این که جرم با استفاده از تبلیغ عامه از طریق وسایل ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله یا نطق در مجامع و یا انتشار آگهی چاپی یا خطی صورت گرفته باشد یا مرتکب از کارکنان دولت یا مؤسسات و سازمان‌های دولتی یا وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلابی و یا به طور کلی از قوای سه گانه و

همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمت عمومی باشد علاوه بر رد اصل مال به صاحبش به حبس از ۲ تا ۱۰ سال و انفصال ابد از خدمات دولتی و پرداخت جزای نقدی معادل مالی که اخذ کرده است محکوم می شود».

4- Article 313-2

«Les peines sont portees a sept ans d'emprisonnement et a 750000 euros d'aéemende lorsque l'écroquerie est réalisée. par une personne dépositaire de 1 autorité publique ou chargée d'une mission de service public , dans l'exercice ou a 1 occasion de l'exercice de ses Fonctions ou d'une mission: 2: par une personne qui prend indument la qualité d'une qui prend inclumeent la qualité d'une personne dépositaire de 1 autorité publique ou chargée d'une mission de service public: 3 par une personne qui fait appel au public en vue de l'émission de titres ou en vue de la collecte de fonds a des fins d'entraide humanitaire ou sociale: 4 Au préjudice d'une personne dont la particulière vulnérabilité due a son âge, a une maladie , a une infirmité, a une déficience physique ou psychique ou a un état de grossesse, est apparente ou connue de son auteur.

5 -Les peines sont portées a dix ans d'emprisonnement et a «(loi du 9 mars 2004) » 1000 000 euros d'amende lorsque l'écroquerie est commise en bande organisée.

6 - Article 313-3

« La tentative des infractions prévues par la présente section est punie des mêmes Peines»

7- Article 121 -4

Est auteur de l'infraction la personne qui:

1. commet le fait incriminé
2. tente de commettre un crime ou , dans les cas prévus par la loi , un délit.

8 -Article 121-6,Sera puni comme auteur le complice de l'infraction

9 - L' interdiction des droits civiques , civils et de famille , suivants

Last modalités prévues par l'article 313-26;

- 10 - l' interdiction, suivant les modalite's pre'vues par l'article 131- 27 d'exercer une fonction publique ou d'exercer l'activite' professionnelle ou social dans l 'exercice ou a l'occasion de l'exercice de laquelle l'infraction a été commise, pour une durée de cinq an auplus.
- 11 - la fermeture, pour une dur'ee de cinq ans auplus, des etablissements ou de l'un ou de plusieurs des etablissements de l'entreprise ayant servi a commettre les faits incrimine's ;
- 12 - la confiscation de la chose qui a servi ou etait destinée a commettre l'infraction ou de la chose qui en est le produit, a l'exception des objets susceptibles de restitution.
- 13 - l'interdiction de sejour, suivant les modalites prévues par l'article 131- 31.
- 14 - l'interdiction pour une duree de cinq ans au plus, démettre des chèques autres que ceux qui permettent le retrait de fonds par le tireur auprès dutiré ou ceux qui sont certifies.
- 15- l'affichage ou la diffusion de la de'cision prononcee dans les conditions prévue par l'article 131- 35.
- 16- Article 132- 17,Aucune peine ne peut être appliquée si la jurisdiction ne la expressément prononcee.
- 17- Article 132- 21, l'interdiction de tout ou partie des droit civiques, civil set de famille mentionnés a l'article 131- 26 ne peut, nono bstant tout disposition contraire, resulter de plein droit d'une condamnation penale.
- 18 -"Toute personne frappée d'une interdiction, déchéance. ou incapacité quelconqu qui résulte de plaint droit, en application dedis positions particulieres, d'une condamnation pénale, peut, par le jugement de condamnation ou par jugement ultérieur, tre relevée en tout ou partie, y compris encequi concerne la durée, de cette interdiction, déchéance ou incapacite, dans les conditions fixées par le code de procédure penale.

منابع

منابع فارسی

۱. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۷۸)، *حقوق جزای عمومی*، تهران: نشر میزان.
۲. استفانی، لواسور، بولوک (۱۳۷۷)، *حقوق جزای عمومی*، ترجمه حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. امین پور، محمدتقی (۱۳۳۰)، *قانون کیفر همگانی*، تهران: شرکت سهامی چاپ.
۴. باهری، دکتر محمد (۱۳۸۰)، *نگرشی بر حقوق جزای عمومی*، تهران: انتشارات مجد.
۵. بروجرودی عبده، محمد (۱۳۳۶)، *اصول قضایی*، تهران: علمی.
۶. پرادل، ژان (۱۳۸۱)، *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، مترجم، نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تهران: سمت.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۷)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران: گنج دانش.
۸. حائری شاه‌باغ، علی (۱۳۳۲)، *شرح قانون مجازات عمومی*، به کوشش ایرج مرتجعی، تهران: چاپ نقش جهان.
۹. حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۷۴)، *کلاهبرداری در حقوق ایران*، تهران: دانشگاه شاهد.
۱۰. حبیب زاده، محمدجعفر (۱۳۷۳)، « *Civil de la penal et la distinction* »، *نشریه علمی خبری دانشگاه شاهد*.
۱۱. کاتبی، حسین قلی (۱۳۳۷)، *فرهنگ حقوقی فرانسه-فارسی*، تهران: انتشارات چهره.
۱۲. کریمی، اسداله (۱۳۷۳)، *فرهنگ لغات حقوقی فارسی به انگلیسی*، تهران: سیمرغ.
۱۳. کوشا، جعفر (۱۳۷۴-۷۵)، *تقریرات درس حقوق جزای اقتصادی تطبیقی*، نیمسال اول تحصیلی ۷۵-۷۴ مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۹)، *حقوق جزای اختصاصی*، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۷)، *محمشای قانون مجازات اسلامی*، تهران: انتشارات مجد.
۱۶. میر محمدصادقی، حسین (۱۳۸۱)، *جرایم علیه اموال و مالکیت*، تهران: نشر میزان.